

بررسی ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

رقیه بایرامی^{۱*}، فاطمه مقدم تبریزی^۲، عرفانه طالبی^۳، سمیرا ابراهیمی^۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: امروزه، شبکه‌های اجتماعی مجازی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی در سطح جامعه و جهان تبدیل شده است. یکی از فرایندهای روانی که بر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد ترس از در حاشیه ماندن می‌باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ترس از در حاشیه ماندن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

مواد و روش کار: در این مطالعه مقطعی با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه شرکت نمودند. ابزار مورد استفاده شامل سؤالات مربوط به مشخصات فردی اجتماعی، مدت زمان شرکت در شبکه‌های اجتماعی، پرسشنامه سلامت بیمار (PHQ-9) و پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن (FOMO) بود. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌ها با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: مطالعه حاضر حاکی از همبستگی مثبت بین زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن ($p=0/03$) و نمره افسردگی دانشجویان ($p < 0/01$) بود. بر اساس مدل رگرسیون، ترس از در حاشیه ماندن، عامل پیش‌بینی کننده زمان سپری شده در شبکه‌های اجتماعی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: نظر به یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود ضمن فراهم کردن امکانات و شرایط مشاوره‌ای مناسب و مؤثر برای دانشجویان، ترس از در حاشیه ماندن آن‌ها را شناسایی و با ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش آن، از بروز عوارضی نظیر صرف زمان بیشتر در شبکه‌های اجتماعی جلوگیری شود.

کلیدواژه‌ها: ترس از در حاشیه ماندن، دانشجوی، شبکه‌های اجتماعی

مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره هفدهم، شماره پنجم، پی‌درپی ۱۱۸، مرداد ۱۳۹۸، ص ۳۵۵-۳۶۲

آدرس مکاتبه: ارومیه، نازلو، دانشکده پرستاری و مامایی، تلفن: ۰۴۴۳۲۷۵۴۹۶۴

Email: rozabayrami@yahoo.com

مقدمه

این افزایش در آینده ادامه پیدا کند (۵). با افزایش استفاده از اینترنت ایجاد و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده به طوری که این شبکه‌ها جزء جدایی‌ناپذیری از زندگی بسیاری از افراد شده است (۶).

میزان عضویت ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده است به طوری که برخی گزارش‌ها عنوان شده است که در سال ۲۰۱۰ در حدود ۰/۳ درصد جمعیت ایران (برابر با ۲۵۰۰۰۰ نفر) صرفاً در شبکه اجتماعی فیسبوک عضو بوده‌اند (۷). در مطالعه جوادنی و همکاران میزان

قرن بیست و یکم به این دلیل عصر اینترنت توصیف شده است که اطلاعات از سراسر جهان به راحتی قابل بازیابی است (۱). اینترنت ابزاری ارزشمند برای تحقیق، یاددهی، یادگیری (۲) و همچنین بهبود زندگی اجتماعی از طریق افزایش تعاملات اجتماعی است (۳). رشد سریع اینترنت در قرن بیست و یکم راهی برای رشد رسانه‌های اجتماعی شده است. شبکه‌های اجتماعی وب سایت‌ها و برنامه‌هایی هستند که به کاربران امکان به اشتراک گذاشتن محتوا یا مشارکت را می‌دهد (۴). رشد سریع شبکه‌های اجتماعی و استفاده از اینترنت در چند سال گذشته در سراسر دنیا مشهود بوده و پیش‌بینی می‌شود

^۱ گروه آموزشی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات بهداشت باروری، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه آموزشی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات بهداشت باروری، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط دانشجویان علوم پزشکی ۳۸/۲ درصد گزارش شده است (۸).

این سایت‌ها به‌طور بالقوه‌ای چه در سطح روابط بین فردی و چه در سطح روابط اجتماعی توانایی ایجاد تغییرات اساسی در زمینه زندگی اجتماعی هر فرد را دارا می‌باشند (۹). استفاده فزاینده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌طور بالقوه‌ای با پیامدهای نامطلوبی در سطح جسمانی، روانی، اجتماعی و عملکردی همراه است (۱۰). شبکه‌های اجتماعی علیرغم تسهیل در ارتباط، با کاهش زمان مطالعه دانشجویان باعث اختلال در روند تحصیل می‌شود (۱۱). ازجمله آثار منفی دیگر می‌توان به افزایش اضطراب و استرس در آن‌ها اشاره کرد (۱۲). همچنین سبک زندگی دانشجویان نیز تغییر کرده و دچار تغییرات نامطلوب می‌شود (۱۳). شبکه‌های اجتماعی صرفاً اثرات منفی نداشته و می‌توان با به‌کارگیری آن‌ها در فرایند آموزشی و یا درمانی، از آن‌ها به‌طور بهینه استفاده نمود (۱۴).

از مهم‌ترین دلایل استفاده از این‌گونه شبکه‌ها می‌توان به ارتباط با سایر افراد (۱۵، ۱۶)، یادگیری قوانین اجتماعی (۱۷)، تفریح و سرگرمی (۱۸) و انتقال تجربیات (۱۹) در بین جوانان اشاره نمود. یکی دیگر از دلایل استفاده از شبکه‌های اجتماعی ترس از در حاشیه ماندن است. ترس از در حاشیه ماندن چنین تعریف می‌شود: ترس فراگیر از اینکه دیگران تجربه درخور پاداش داشته باشند و فرد از آن غافل بماند. ترس از در حاشیه ماندن با یک تمایل برای ارتباط مداوم با کارهایی که دیگران انجام می‌دهند؛ همراه است (۲۰). ترس از در حاشیه ماندن را یک اضطراب اجتماعی تعریف کرده‌اند بدین‌صورت که زمانی که فرد احساس می‌کند از وقایع اجتماع غافل است یک اضطراب اجتماعی وی را فرا می‌گیرد (۲۱). برای کسانی که ترس از در حاشیه ماندن دارند شرکت در شبکه‌های اجتماعی بسیار جذاب است و بنابراین به‌طور مکرر صفحات شخصی خود را در فضای مجازی کنترل می‌کنند (۲۲). در دسترس بودن تلفن همراه و گسترش رسانه‌های اجتماعی دو عامل مؤثر هستند که به ترس از در حاشیه ماندن دامن می‌زنند (۲۳). ترس از در حاشیه ماندن با حالات عاطفی منفی مانند احساس تنهایی، کسالت و خلق منفی یا احساس افسردگی همراه است (۲۴، ۲۵).

در ایران دانشجویان پس از طی مراحل دبیرستان و قبولی در امتحان کنکور، در بازه زمانی حساس از مراحل رشد خود، جهت ادامه تحصیلات عالی به محیطی اغلب به‌دوراز خانواده، به دانشگاه وارد می‌شوند (۲۶). لذا تأثیرات این‌گونه شبکه‌ها در دوران دانشجویی بیشتر بروز می‌کند. با توجه به اینکه یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، بهداشت و سلامت روانی آن جامعه

است و سلامت روانی، نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند؛ و از آنجاکه دانشجویان از افشار مستعد برگزیده جامعه و سازندگان فردای هر کشور می‌باشند و با توجه به این‌که دانشجویان تازه‌وارد دانشگاه‌ها که در شهرهایی دور از خانواده خود مشغول به تحصیل می‌گردند لذا سلامت روان آنان در معرض خطر می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط ترس از در حاشیه ماندن و میزان استفاده از فضای مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت.

مواد و روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی- توصیفی بود که در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه به انجام رسید. در این مطالعه ۲۰۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی به روش طبقه‌بندی‌شده و در دسترس وارد مطالعه شدند. از هر دانشکده به نسبت درصد جمعیتشان نمونه انتخاب شد. ابزار مورد استفاده شامل مشخصات فردی اجتماعی، مدت‌زمان سپری‌شده در شبکه‌های اجتماعی، پرسشنامه سلامت بیماران (PHQ-9) (۲۷) و پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن (FOMO) (۲۰) بود. پس از توزیع پرسشنامه‌ها، هدف مطالعه و نحوه پر کردن پرسشنامه‌ها به شرکت‌کنندگان بیان شد. پژوهش حاضر توسط کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی ارومیه با کد IR.UMSU.REC.1396.35 تأیید گردید.

مشخصات دموگرافیک مشتمل بر سؤالات (سن، جنسیت، دانشکده، مدرک تحصیلی، نوبت فرزند در خانواده، نحوه اسکان، رضایت از وضعیت اقتصادی، رضایت از رشته تحصیلی، معدل نیمسال گذشته) بود. پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن توسط دکتر پرزبیلسکی^۳ طراحی و توسعه یافته است و شامل ۱۰ سؤال با مقیاس لیکرت پنج‌قسمتی (صدق نمی‌کند، خیلی کم صدق می‌کند، به‌طور متوسط صدق می‌کند، زیاد صدق می‌کند و خیلی زیاد صدق می‌کند) می‌باشد. نمره دهی از صدق نمی‌کند=۱ تا خیلی زیاد صدق می‌کند=۵ می‌باشد. در توسعه پرسشنامه پایایی سؤالات با آلفا کورنباخ $\alpha = 0/90$ محاسبه شده بود (۲۰). پرسشنامه سلامت بیمار- ۹ ابزاری متشکل از ۹ گویه است که اجرای آن کمتر از ۱۰ دقیقه طول می‌کشد و دامنه نمرات آن بین ۰ تا ۲۷ است. این مقیاس دارای طیف لیکرت سه‌نقطه‌ای است. نمرات زیر ۵ حاکی از وجود سلامت روان‌شناختی و عدم افسردگی است. نمرات بین ۵ تا ۹ مبین افسردگی خفیف است. نمرات بین ۱۰ تا ۱۴ مبین افسردگی متوسط و نمرات ۱۵ و بالاتر از آن مبین افسردگی شدید

³ Przybylski

¹ Patient Health Questionnaire

² Fear of Missing Out

است. ژانگ و همکاران روایی ($r=0/790$) و پایایی آن را $0/873$ گزارش کرده‌اند (۲۷).

به‌عنوان اولین قدم در اجرای مطالعه حاضر نسخه اصلی پرسشنامه FOMO با استفاده از روش استاندارد-Forward Bakward از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه گردید. در این روش ابتدا نسخه اصلی پرسشنامه توسط دو مترجم مستقل به‌صورت هم‌زمان از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه‌شده، سپس این نسخه مجدداً توسط دو مترجم مستقل از مترجمان مرحله نخست به زبان انگلیسی برگردانده شد و درنهایت یک نفر به‌عنوان هماهنگ‌کننده کنار هم قرار دادن ترجمه‌های فارسی و انگلیسی به‌دست‌آمده پرسشنامه فارسی را تهیه نمود.

پس از تکمیل ۲۰ پرسشنامه توسط دانشجویان، آلفا کورنباخ برای سؤالات پرسشنامه ترس از در حاشیه ماندن $\alpha = 0/87$ و برای پرسشنامه سلامت بیمار $\alpha = 0/79$ به دست آمد. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی اجرای طرح پس از تأیید توسط شورای پژوهشی دانشگاه و کسب کد اخلاق شروع‌شده همچنین پس از ارائه اهداف طرح برای دانشجویان توضیحات لازم در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات و استفاده صرفاً پژوهشی از اطلاعات آن به آن‌ها داده شد. پرسشنامه‌ها توسط دانشجویانی که تمایل به شرکت در مطالعه داشتند تکمیل و توسط محقق جمع‌آوری شد. در مرحله بعد اطلاعات پرسشنامه‌ها به نرم‌افزار SPSS(16) وارد شد. از آمار توصیفی و جداول توزیع فراوانی جهت ارائه اطلاعات دموگرافیک

دانشجویان استفاده گردید برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری تی، آنالیز واریانس، همبستگی و رگرسیون خطی استفاده گردید که میزان $p \leq 0/05$ معنی‌دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

میانگین سنی دانشجویان $1/87 \pm 20/59$ سال بود. از کل دانشجویان $64/5$ (درصد) ۱۲۹ نفر دختر و $35/5$ (درصد) ۷۱ نفر پسر بودند. میانگین زمانی که روزانه دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی صرف کرده بودند $2/50 \pm 3/84$ ساعت بود. میانگین نمرات ترس از در حاشیه ماندن و افسردگی به ترتیب $6/79 \pm 21/71$ و $4/96 \pm 6/90$ بود. میانگین معدل دانشجویان $1/20 \pm 15/41$ بود. میانگین معدل با زمان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی ($p < 0/001$) و $r = -0/333$ و ترس از در حاشیه ماندن ($p = 0/003$ و $r = 0/211$) ارتباط معنی‌دار داشت. مقایسه زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ترس از در حاشیه ماندن برحسب ویژگی‌های کیفی دموگرافیک دانشجویان در جدول (۱) نشان داده شده است. مطالعه حاضر حاکی از همبستگی مثبت بین زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن ($p = 0/003$) و نمره افسردگی دانشجویان ($p < 0/001$) بود. بر اساس مدل رگرسیون، ترس از در حاشیه ماندن عامل پیش‌بینی‌کننده زمان سپری‌شده در شبکه‌های اجتماعی بود (جدول ۳).

جدول (۱): مقایسه مدت‌زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ترس از در حاشیه ماندن برحسب ویژگی‌های کیفی دموگرافیک دانشجویان

ویژگی دموگرافیک	فراوانی	زمان صرف در شبکه‌های اجتماعی P value mean $\pm$ SD	ترس از در حاشیه ماندن P value mean $\pm$ SD
جنسیت			
زن	۱۲۹	$p=0/01$ $4/17 \pm 2/46$	$p=0/23$ $22/13 \pm 7/13$
مرد	۷۱	$3/25 \pm 2/47$	$20/94 \pm 6/09$
دانشکده			
پزشکی	۵۷	$3/77 \pm 2/26$	$21/71 \pm 6/71$
داروسازی	۱۵	$p=0/852$ $3/50 \pm 2/90$	$p=0/32$ $22/44 \pm 7/45$
پرستاری	۷۳	$3/70 \pm 2/72$	$20/66 \pm 6/54$
مامایی		$4/29 \pm 2/19$	$24/20 \pm 6/24$
بهداشت	۲۱	$4/08 \pm 2/45$	$22/44 \pm 6/90$
پیراپزشکی	۳۲		
رضایت از درآمد			
دارد	۱۷۶	$p=0/682$ $3/81 \pm 2/30$	$p=0/897$ $21/73 \pm 6/85$
خانوادگی ندارد	۲۴	$4/04 \pm 3/71$	$21/54 \pm 6/48$
وضعیت اسکان			
خوابگاه	۱۳۴	$p=0/413$ $3/92 \pm 2/69$	$p=0/77$ $21/59 \pm 7/05$
مستقل	۴	$2/50 \pm 0/57$	$20/54 \pm 6/40$
همراه خانواده	۶۲	$3/75 \pm 2/09$	$22/06 \pm 6/30$

رضایت از رشته	دارد	۱۷۲	$p=0/589 \ 3/88 \pm 2/59$	$p=0/196 \ 21/39 \pm 6/42$
	ندارد	۲۸	$3/60 \pm 1/81$	$23/64 \pm 8/62$
مدرک تحصیلی	دکتر	۷۱	$p=0/974 \ 3/88 \pm 2/59$	$p=0/258 \ 22/40 \pm 6/77$
	کارشناسی	۱۱۴	$3/88 \pm 2/59$	$21/54 \pm 7/11$
	کارشناسی	۱۵	$3/88 \pm 2/59$	$19/66 \pm 3/28$
ارشد				

جدول (۲): همبستگی بین مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن، افسردگی، معدل، سن و نوبت فرزند

متغیرها	مشخصه آماری	استفاده از شبکه‌های اجتماعی
مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	مقدار ضریب	۰/۲۱۱
	P- value	۰/۰۳
افسردگی	مقدار ضریب	۰/۲۵۱
	P- value	<۰/۰۰۱
سن	مقدار ضریب	۰/۰۷۷
	P- value	۰/۲۷۶
نوبت فرزند	مقدار ضریب	۰/۱۲۹
	P- value	۰/۰۷

جدول (۳): پیش‌گویی مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی از روی ترس از در حاشیه ماندن، نمره افسردگی، سن، نوبت فرزند

ضریب	B	SE	Beta	t	P
ثابت	۳/۱۵۱	۲/۱۱۹		۱/۴۸۷	۰/۱۳۹
ترس از در حاشیه ماندن	۰/۰۷۹	۰/۰۲۷	۰/۲۱۴	۲/۹۶۴	۰/۰۰۳
نمره افسردگی	-۰/۰۲۲	۰/۰۳۷	-۰/۰۴۴	-۰/۶۰۷	۰/۵۴۵
سن	-۰/۰۲۳	۰/۱۰۲	۰/۰۱۸	-۰/۲۲۹	۰/۸۱۹
نوبت فرزند	-۰/۱۹۱	۰/۱۴۱	-۰/۱۰۴	-۱/۳۵۶	۰/۱۷۷

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر بیش از ۹۰ درصد از شرکت‌کنندگان در شبکه‌های اجتماعی مختلف عضویت داشته‌اند. میانگین زمانی که دانشجویان روزانه در شبکه‌های اجتماعی مشارکت داشتند $\pm 2/50$ ساعت بود. در مطالعه داستانی و همکاران (۱۳۹۵) دانشجویان عضو شبکه‌های مجازی به‌طور میانگین یک ساعت و یازده دقیقه در روز از این شبکه‌ها استفاده کرده بودند (۲۸). در مطالعه خلیلی (۱۳۹۴) نیز دانشجویان عضو به‌طور متوسط ۱۴۰ دقیقه در فضای مجازی درگیر بودند (۲۹). در مطالعه برات دستجردی و همکاران اکثریت دانشجویان بین ۲-۳ ساعت در شبانه‌روز از شبکه‌های

اجتماعی استفاده می‌کردند (۳۰). اینکه در مطالعه حاضر میانگین زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر بوده شاید به دلیل تفاوت‌های فردی و اجتماعی نمونه‌های موردپژوهش بوده است. در مطالعه حاضر میانگین ساعت استفاده از فضای مجازی در بین دانشجویان دختر و پسر اختلاف آماری معنی‌دار داشت. به‌طوری‌که دانشجویان دختر زمان بیشتری را در فضای مجازی صرف کرده بودند. نتایج مطالعه حاضر با مطالعه جوادی نیا و همکاران (۸). همسو و با مطالعه عبدالرحیم^۱ مغایرت دارد (۳۱). آهنگر رضایی و همکاران نیز در مطالعه خود به تفاوت جنسیتی در میزان استفاده از اینترنت بین دانشجویان اشاره کرده است (۳۲). در جامعه ما

^۱ - Abdelraheem

از محدودیت‌های مطالعه شاید بتوان به حجم نمونه پایین اشاره کرد. ولی به‌عنوان یک مطالعه پایلوت برای انجام پژوهش در زمینه پدیده موردبحث در نظر گرفته شده است. از نکات قوت مطالعه این است که به پدیده جدید ترس از در حاشیه ماندن بین دانشجویان پرداخته است. پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری با استفاده از این ابزار در گروه‌های متفاوت و حجم نمونه بیشتر انجام گیرد.

مطالعه حاضر حاکی از همبستگی مثبت بین زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی با ترس از در حاشیه ماندن و نمره افسردگی دانشجویان بود. همچنین ترس از در حاشیه ماندن عامل پیش‌بینی کننده زمان سپری‌شده در شبکه‌های اجتماعی بود. با توجه به اینکه دانشجویان امروز مراقبین بهداشتی و درمانی آینده جامعه می‌باشند و پدیده روانی ترس از در حاشیه ماندن ممکن است در برنامه مراقبتی اختلال ایجاد کند ضروری است که با ارتقاء سطح اطلاعات دانشجویان در خصوص این‌گونه شبکه‌ها به‌منظور استفاده صحیح و بهینه از آن‌ها با این مشکلات مقابله نمود. پیشنهاد می‌شود ضمن فراهم کردن امکانات و شرایط مشاوره‌ای مناسب و مؤثر برای دانشجویان، ترس از در حاشیه ماندن آن‌ها را شناسایی و با ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش آن، از بروز عوارضی نظیر صرف زمان بیشتر در شبکه‌های اجتماعی جلوگیری شود. همچنین از آنجاکه استفاده بی‌رویه و نامعمول می‌تواند وضعیت تحصیلی دانشجویان را دچار تزلزل نماید؛ بنابراین، دانشگاه بایستی با ایجاد زمینه‌های مناسب جهت ارتقاء مهارت‌های دانشجویان، تلاش نماید تا دانشجویان تنها در اموری همچون بررسی مقالات علمی و استفاده از سایت‌های خبری و فرهنگی به اینترنت مراجعه نمایند تا از هدر رفتن فرصت‌های مفید با گشت‌های بی‌پهوده به‌منظور سرگرمی جلوگیری شود.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب تقدیر و تشکر خود را از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ارومیه که در این مطالعه شرکت کردند اعلام می‌دارند. این مقاله منتج از طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه علوم پزشکی ارومیه می‌باشد.

خانواده‌ها محدودیت‌های بیشتری برای دختران خود قائل‌اند، ازجمله در مورد مدت‌زمان بیرون ماندن از خانه یا مکان‌هایی که اجازه رفتن به آن را دارند. درعین‌حال اگر فرزند آن‌ها در خانه یا دانشگاه از اینترنت استفاده کند، کسی مانع او نمی‌شود و به او اعتراض نمی‌کند. ازاین‌رو، شاید بتوان گفت که خانواده‌ها به‌طور ناخواسته دختران خود را به سمت افزایش بی‌رویه استفاده از اینترنت سوق می‌دهند.

میانگین نمره درگیری در فضای مجازی بین دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوت آماری معنی‌دار نداشت نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه آهنگر رضایی مغایر است که تفاوت می‌تواند به تفاوت‌های فردی اجتماعی نمونه‌ها اشاره کرد (۳۲). در مطالعه حاضر میانگین نمره استفاده از شبکه‌های مجازی با ترس از در حاشیه ماندن همبستگی داشت که نتایج با سایر مطالعات انجام گرفته همسو است (۳۳-۳۵).

در مطالعه حاضر میانگین معدل با زمان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی همبستگی منفی داشت به‌طوری‌که با افزایش مدت‌زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی معدل دانشجویان پایین آمده بود. استولاک و همکاران^۲ نیز بیان کرده‌اند دانشجویان عضو شبکه‌های مجازی ساعات کم‌تری مطالعه می‌کنند (۳۵). همچنین کارپینسکی و کیرشنر^۳ اظهار داشتند دانشجویانی که از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند ساعات کم‌تری را به مطالعه اختصاص می‌دهند و عملکرد تحصیلی پایین‌تری دارند (۳۶). مطالعه جوادیان و همکاران نیز نشان داده است دانشجویانی که عملکرد تحصیلی پایین‌تری دارند بیشتر از فیس بوک استفاده می‌کنند؛ که با نتایج مطالعه حاضر همسو می‌باشد (۹).

مطالعه حاضر نشان داد که صرف زمان در شبکه‌های مجازی با ترس از در حاشیه ماندن ارتباط آماری معنی‌داری دارد. مطالعات انجام گرفته در زمینه این پدیده جدید این هیپوتز که میزان درگیری در فضای مجازی با ترس از کنار ماندن ارتباط دارد را ثابت کرده‌اند. مطالعه‌ای در ایالت متحده آمریکا نشان داده که ۵۶ درصد از کاربران شبکه‌های اجتماعی از ترس از حاشیه ماندن رنج می‌برند (۲۲). مطالعه دوسی^۴ و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان داد افرادی که زمان زیادی را در شبکه‌های اجتماعی صرف می‌کنند بیشتر احساس غمگینی و تنهایی می‌کنند و ترس از در حاشیه ماندن دارند (۳۷).

References:

1. Huan VS, Ang RP, Chye S. Loneliness and shyness in adolescent problematic internet users:

⁴ - Dossey

² - Stollak

³ - Karpinski & Kirschner

- the role of social anxiety. *Child & Youth Care Forum Springer*; 2014. p. 539–551.
2. Adekunmisi SR, Ajala EB, Iyoro AO. Internet Access and Usage by Undergraduate Students: A Case Study of Olabisi Onabanjo University. Nigeria; Library Philosophy & Practice: 2013.
3. Amichai-Hamburger Y, Hayat Z. The impact of the Internet on the social lives of users: A representative sample from 13 countries. *Comput Human Behav* 2011;27(1): 585-9.
4. Heffner T. The effects of social media use in undergraduate students. Theses and Dissertations; 2016.
5. Reyes MES, Marasigan JP, Gonzales HJQ, Hernandez KLM, Medios MAO, Cayubit RFO. Fear of Missing Out and its Link with Social Media and Problematic Internet Use Among Filipinos. *North Am J Psychol* 2018;20(3).
6. Boyd DM, Ellison NB. Social network sites: Definition, history, and scholarship. *J Comput Mediat Commun* 2007;13(1): 210-30.
7. Sali M CH. A Qualitative Study of Iranian Facebook Users' Perceptions: The Use of Facebook in Iran's Eparticipation Activities LAP Lambert Academic; 2018.
8. Javadinia A, Erfanian M, Abedini M, Askari M, Abbasi A, Bijari B. Pattern of Social Networking Sites Usage among Students of Birjand University of Medical Sciences. *Teb Tazkiye* 2010;22(2):39–44.
9. Ellison NB, Lampe C, Steinfield C. Social network sites and society: Current trends and future possibilities. *Interact* 2009;16(1): 6.
10. Jelenchick LA, Hawk ST, Moreno MA. Problematic internet use and social networking site use among Dutch adolescents. *Int J Adolesc Med Health* 2016;28(1): 119-21.
11. O'Brien SJ. Facebook and other Internet use and the academic performance of college students: Temple University; 2011.
12. Farahani HA, Kazemi Z, Aghamohamadi S, Bakhtiarvand F, Ansari M. Examining mental health indices in students using Facebook in Iran. *Procedia Soc Behav Sci* 2011;28: 811-4.
13. Taghdisi MH, Doshmangir P, Dehdari T, Doshmangir L. Influencing Factors on Healthy Lifestyle From Viewpoint of Elderly People: Qualitative Study. *Iran J Age* 2013;7(4): 47-58.
14. Teclehaimanot B, Hickman T. Student-teacher interaction on Facebook: What students find appropriate. *Tech Trends* 2011;55(3): 19.
15. Kim K-H, Yun H. Cying for me, Cying for us: Relational dialectics in a Korean social network site. *J Comput Mediat Commun* 2007;13(1): 298-318.
16. Joinson AN. Looking at, looking up or keeping up with people?: motives and use of facebook. *Proceedings of the SIGCHI conference on Human Factors in Computing Systems ACM*; 2008. p. 1027–1036.
17. Boyd D. Why youth (heart) social network sites: The role of networked publics in teenage social life. *MacArthur foundation series on digital learning–Youth, identity, and digital media volume* 2007;119:142.
18. Abramson G, Kuperman M. Social games in a social network. *Phys Rev E* 2001;63(3): 030901.
19. DiMicco J, Millen DR, Geyer W, Dugan C, Brownholtz B, Muller M. Motivations for social networking at work. *Proceedings of the 2008 ACM conference on Computer supported cooperative work ACM*; 2008. p. 711–720.
20. Przybylski AK, Murayama K, DeHaan CR, Gladwell V. Motivational, emotional, and

- behavioral correlates of fear of missing out. *Comput Human Behav* 2013;29(4): 1841-8.
21. Vaidya N, Jaiganesh S, Krishnan J. Prevalence of Internet addiction and its impact on the physiological balance of mental health. *Natl J Physiol Pharm Pharmacol* 2016;6(1): 97.
22. Abel JP, Buff CL, Burr SA. Social media and the fear of missing out: Scale development and assessment RBER. *Rev Bus Econ Res* 2016;14(1): 33-44.
23. Herman D. FoMO «The Fear of Missing Out [Internet]. [cited 2019 Sep 22]. Available from: <http://fomofearofmissingout.com/fomo>
24. Browne BL, Aruguete MS, McCutcheon LE, Medina AM. Social and Emotional Correlates of the Fear of Missing Out. *North American J Psychol* 2018;20(2).
25. Wortham J. Feel like a wallflower? Maybe it's your Facebook wall. *New York Times*; 2011. P.3.
26. Ehteshamzadeh P, Ahadi H, Enayati M, Mazaheri M, Heydari AR. Relationship between extraversion, neuroticism, forgiveness and islamic coping strategies with happiness in college students of Ahvaz universities in 1387. *Knowledge & Research in Applied Psychology* 2009.
27. Zhang YL, Liang W, Chen ZM, Zhang HM, Zhang JH, Weng XQ, et al. Validity and reliability of Patient Health Questionnaire-9 and Patient Health Questionnaire-2 to screen for depression among college students in China. *Asia Pac Psychiatry* 2013;5(4): 268-75.
28. Dastani M, Keramati J, Poorfatemi A, A E. The role of Social Networks on Academic Achievement of Gonabad University of Medical Science' students. *J Med* 2016;11(2): 153-60.
29. Khalili L. Use of social networks by university students. *Human Info Interact*; 2015.
30. Barat Dastjerdi N, Davar panah H, Esmaeili M. The Relationship between Use of Social Networks Facebook and Social Well-Being of Students in Isfahan University. *J Appl Soc Sci SPRING* 2016;27(1): 61.
31. Abdelraheem AY, editor University students' use of social networks sites and their relation with some variables. *WEI International Academic Conference Proceedings, Antalya, Turkey*; 2013.
32. Ahangarzadeh Rezaei S, Moradi Y. Internet addiction study at Urmia university students medical sciences. *J Urmia Nurs Midwifery Fac* 2015;13(5): 434-9.
33. Błachnio A, Przepiórka A. Facebook intrusion, fear of missing out, narcissism, and life satisfaction: A cross-sectional study. *Psychiatry Res* 2018;259: 514-9.
34. Salim F, Rahardjo W, Tanaya T, Qurani R. Are self-presentation of instagram users influenced by friendship-contingent self-esteem and fear of missing out. *Makara Hubs Asia* 2017;21: 70-82.
35. Stollak MJ, Vandenberg A, Burklund A, Weiss S, editors. Getting social: The impact of social networking usage on grades among college students. *Proceedings from ASBBS annual conference*; 2011.
36. Kirschner PA, AC K. Face book and academic performance. *Comput Hum Behav* 2010;26(6): 1237-45.
37. Dossey L. FOMO, digital dementia, and our dangerous experiment. *Explore: J Sci Heal* 2014;10(2): 69-73.

A SURVEY ON RELATION BETWEEN FEAR OF MISSING OUT AND SOCIAL MEDIA USE AMONG STUDENTS IN URMIA UNIVERSITY OF MEDICAL SCIENCES

Roghieh Bayrami^{1*}, Fatemeh Moghaddam Tabrizi², Erfaneh Talebi³, Samira Ebrahimi⁴

Received: 03 Apr, 2019; Accepted: 23 June, 2019

Abstract

Background and Aims: Nowadays, social networking sites are one of the most importing means to communicate in societies and worldwide. One psychological process that may underlie problematic social networking sites use is the Fear-Of-Missing-Out (FOMO). Therefore in the present study; we have studied and determined the relation between FOMO and the rate of using the social networking sites among the students in Urmia University of Medical Sciences in 2017.

Material and methods: The design of the study was cross-sectional. The sample consisted of 200 Students of Uremia University of Medical Sciences who were selected quota randomly. The data collection tool was a three-part questionnaire. The first section includes demographic information as well as a question about the period of Internet using during a day, the second part was "FOMO" questionnaire and third part was PHQ-9 scale. Data analyzing was conducted software SPSS / 16.

Results: There were positive correlation between social networking sites usage and fear of missing out and depression score ($P < 0.03$ and $p < 0.001$) respectively. The regression model showed that FOMO was as a predictive factor for social networking sites usage.

Conclusion: Due to the relationship between fear of missing out and usage of social networking sites, improving the educational and cultural quality of university programs is recommended for the correctly and optimal usage of social networks sites among students.

Keywords: fear of missing out (FOMO), social media, students

Address: Urmia University of medical sciences

Tel: (+98) 04432754964

Email: rozabayrami@yahoo.com

¹ Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Reproductive Health Research Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran (Corresponding Author)

² Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Reproductive Health Research Center, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

³ Student of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Student Research Committee, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

⁴ MSc Student of Midwifery Counseling, School of Nursing and Midwifery, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran